

۲۱۰۵۷۸۲

ضمانت اجرای

دیوان بین المللی کیفری

در مقابله با نقض حقوق بشردوستانه

مؤلفان:

دکتر یزاد رضوی فرد

دانشیار و عضو هیئت علمی دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبائی

میشم نپروزی

دانشجوی دکتری حقوق بین الملل عمومی، دانشگاه علامه طباطبائی



مجمع علمی و فرهنگی مجد

رضوی فرد، بهزاد،	سرشناسه
عنوان و نام پدیدآور	ضمانت اجرای دیوان بین‌المللی کیفری در مقابله با نقض حقوق بشر دوستانه / مولفان بهزاد رضوی فرد، میثم نوروزی.
مشخصات نشر	تهران: مجد، ۱۳۹۹. شناسه افزوده
مشخصات ظاهری	۱۵۸ ص. رده بندی کنگره
شابک	۹۷۸-۶۲۲-۲۲۵۳۹۵-۰ : رده بندی دیویی
وضعیت فهرست نویسی	فیا : شماره کتابشناسی ملی : ۶۱۳۳۹۶۸
موضوع	اجرای عدالت کیفری
موضوع	Criminal justice, Administration of :
موضوع	دیوان بین‌المللی کیفری
موضوع	International Criminal Court :
موضوع	حقوق بین‌الملل و حقوق بشر
موضوع	International law and human rights :
موضوع	حقوق بشر
موضوع	Human rights :

هرگونه تکثیر کامل یا قسمتی از کتاب بدون اجازه پدیدآورنده یا ناشر، خلاف قانون، شرع و اخلاق است.
مواضع مختلف به دفتر مرکزی «مجد» گزارش فرماید.

ضمانت اجرای دیوان بین‌المللی کیفری در مقابله با نقض حقوق بشر دوستانه
مؤلفان: دکتر بهزاد رضوی فرد و میثم نوروزی.

انتشارات مجد

چاپ اول: ۱۳۹۹ تعداد: ۵۰۰ نسخه

حق چاپ محفوظ و منحصر به «مجد» است.

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۲۲۵-۳۹۵-۰
ISBN: 978 - 622- 225-395- 0

دفتر مرکزی مجد:

تهران، میدان انقلاب، تقاطع خیابان منیری جاوید و شهدای ژاندارمری، پلاک ۵۷

تلفن و دورنگار: ۶۶۴۹۵۰۳۴ - ۶۶۴۱۲۰۷۸ - ۶۶۹۱۳۳۸۶

فروشگاه: تقاطع خیابان منیری جاوید و شهدای ژاندارمری، پلاک ۵۹

تلفن: ۶۶۴۸۶۸۷۴ - ۶۶۴۰۹۴۲۲

www.majdlaw.com

E- mail: info@majdlaw.com

کانال رسمی انتشارات مجد در تلگرام: @majdlaw

فهرست مطالب

۹	مقدمه
۱۷	بخش اول: ضمانت اجرای ناشی از حقوق بین الملل عمومی
۱۷	فصل اول: ضمانت اجراء در سیستم حقوق بین الملل
۲۴	گفتار اول: واژه شناسی (Sanction) در حقوق بین الملل
۲۴	مبحث اول: ضمانت اجراء Sanction
۲۵	مبحث دوم: ریشه لغوی و سیر تحول ادبی واژه Sanction
۲۷	گفتار دوم: توصیف حقوقی ضمانت اجراء در عرصه بین المللی
۲۹	گفتار سوم: انواع ضمانت اجرای بین المللی
	فصل دوم: ضمانت اجراء در برخی نهادهای بین المللی قبل از تدوین منشور و بعد از
۳۱	تأسیس سازمان ملل متحد
۳۱	گفتار اول: قبل از تشکیل مجمع ملل
۳۲	گفتار دوم: بعد از تشکیل جامعه ملل
۳۳	مبحث اول: ضمانت اجرای جامعه ملل
۳۳	مبحث دوم: ضمانت اجرای شورای عالی میثاق جامعه ملل
۳۴	گفتار سوم: ضمانت اجراها در منشور ملل متحد
۳۵	مبحث اول: ضمانت اجرای سیاسی منشور
۳۵	مبحث دوم: ضمانت اجرای نظامی منشور
۳۶	مبحث سوم: نقش سازمان های منطقه ای در اعمال ضمانت اجرای نظامی
۳۷	مبحث چهارم: امتناع دولتهای عضو از اعمال ضمانت اجرای نظامی
۳۹	فصل سوم: ضعف و نواقص ضمانت اجراء در حقوق بین الملل
	بخش دوم: ضمانت اجرای ویژه اساسنامه دیوان بین المللی کیفری در مقابله با
۴۳	نقض حقوق بشردوستانه
	فصل اول: مجازات (کیفرها) و نحوه اجراء در دیوان بین المللی کیفری در قیاس با سایر
۴۳	دادگاههای بین المللی کیفری
۴۳	گفتار اول: پیشینه مجازات و کیفرها در حقوق بین الملل کیفری
۴۴	گفتار دوم: سوابق بین المللی اعمال ضمانت اجرای کیفری بین المللی
۴۵	گفتار سوم: کیفر و مجازات در دیوان های بین المللی کیفری
۴۵	مبحث اول: کیفر در دیوان بین المللی کیفری
۴۵	مبحث دوم: تعریف کیفر در حقوق کیفری بین المللی

گفتار چهارم: ماهیت مجازات‌ها و نحوه اجرای دادگاه‌های بین‌المللی و دیوان	۴۶
مبحث اول: مجازات‌ها و نحوه اجرای دادگاه‌های یوگسلاوی سابق و رواندا	۴۶
بندهای: مجازات‌ها در اساسنامه	۴۶
بند ب: اجرای مجازات‌ها	۴۷
بند ج: مکان اجرای مجازات زندان	۴۸
بند د: ضمانت اجرای دادگاه‌های یوگسلاوی سابق و رواندا	۴۸
بند ح: مجازات عدم همکاری دولت‌ها در اجرای احکام دادگاه‌های یوگسلاوی سابق و رواندا	۵۱
مبحث دوم: مجازات‌ها و نحوه اجرای دیوان بین‌المللی کیفری	۵۱
بندهای: مجازات‌ها در اساسنامه	۵۱
بند ب: نحوه اجرای مجازات‌های دیوان	۵۲
بند ج: اجرای مجازات‌ها در دیوان	۵۵
بند د: اجرای تصمیمات دیوان و ضمانت اجرای ارضایی آن در نزد افکار عمومی	۵۶
گفتار پنجم: مطلوبیت مؤثر دیوان در اعمال ضمانت اجرای نسبت به دادگاه‌های یوگسلاوی سابق و رواندا	۶۰
فصل دوم: همکاری‌ها با دیوان بین‌المللی کیفری در جهت ضمانت اجرای مؤثر تصمیمات آن	۶۸
گفتار اول: ضرورت همکاری‌ها با دیوان	۶۸
گفتار دوم: همکاری‌ها با دیوان بین‌المللی کیفری	۶۸
مبحث اول: همکاری بین‌المللی و معاضدت قضایی	۷۰
مبحث دوم: معاضدت قضایی در اجرای عدالت کیفری	۷۱
مبحث سوم: همکاری سایر ارگان‌های دیوان	۷۳
مبحث چهارم: همکاری دولت‌ها	۷۴
بند الف: ضرورت همکاری دولت‌ها	۷۵
بند ب: روش همکاری دولت‌ها	۷۶
بند ج: موارد معاضدت دولت‌ها با دیوان (طبق اساسنامه)	۷۷
بند د: معاضدت قضایی ارکان ذی ربط دولت‌ها با دیوان	۸۱
گفتار سوم: واکنش‌ها به عدم همکاری با دیوان بین‌المللی کیفری	۸۴
مبحث اول: واکنش‌های حقوقی	۸۴
مبحث دوم: واکنش‌های غیر حقوقی	۸۸
گفتار چهارم: نمونه‌های همکاری و همکاری دیگر نهادها با دیوان	۹۱
مبحث اول: همکاری نیروهای حافظ صلح شورای امنیت	۹۲

۹۳	مبحث دوم: همکاری اشخاص
	فصل سوم: ارتباط دیوان بین‌المللی کیفری با سازمان ملل در جهت اجرای مؤثر
۹۳	تصمیماتش
۹۳	گفتار اول: ارتباط دیوان با سازمان ملل متحد
۹۴	مبحث اول: ارتباط حقوقی دیوان
۹۶	مبحث دوم: ارتباط کاری دیوان
۹۷	گفتار دوم: ارتباط دیوان با شورای امنیت
	مبحث اول: ارتباط شورای امنیت با دیوان در جهت حفظ صلح و امنیت
۹۷	بین‌المللی
۹۸	مبحث دوم: صلاحیت شورای امنیت در تشکیل محاکم کیفری بین‌المللی
۹۸	مبحث سوم: همکاری شورای امنیت با دیوان
	ب. الف: نقش شورای امنیت در مرحله تعقیب و تحقیق جرائم مشمول
۹۸	صلاحیت ایران
۹۹	بند ب: اختیارات شورای امنیت در ارجاع وضعیت به دیوان
۱۰۳	بند ج: نقش شورای امنیت در اجرای مجازات حبس
۱۰۴	فصل چهارم: ضعف‌های دیوان بین‌المللی کیفری در جهت ضمانت اجرای تصمیماتش
	گفتار اول: ارتکاب جرائم بین‌المللی، انانیت و یا با مجوز
۱۰۴	شورای امنیت
	گفتار دوم: معوق نگهداشتن روند رسیدگی در دیوان از سوی شورای امنیت
۱۰۵	وناسازگاری آن با فلسفه تأسیس محاکم کیفری بین‌المللی
۱۰۷	گفتار سوم: سایر ضعف‌ها از جهت ضمانت اجراء در دیوان
۱۰۷	مبحث اول: ضعف ضمانت اجراء در اساسنامه دیوان
۱۰۸	بند الف: ارزیابی اساسنامه دیوان
۱۰۹	بند ب: کاستی‌های اساسنامه دیوان
۱۱۰	مبحث دوم: عدم همکاری دولت‌ها
۱۱۱	فصل پنجم: نقش دیوان بین‌المللی کیفری در ضمانت اجرای حقوق بشردوستانه
۱۱۱	گفتار اول: سایر ضمانت اجراها در حقوق بشردوستانه
۱۱۴	مبحث اول: ضمانت اجرای کیفری و مدنی
	مبحث دوم: ضمانت اجرا از طریق سازمان ملل متحد و سایر سازمان‌های
۱۱۴	بین‌المللی
۱۱۵	بند الف: مبنای صلاحیت سازمان ملل متحد
۱۱۹	بند ب: نقش ارکان سازمان ملل متحد
۱۲۵	بند ج: ضمانت اجرا از طریق سایر سازمان‌های بین‌المللی

گفتار دوم: ضمانت اجرا از طریق حقوق بین‌الملل کیفری ۱۲۸

مبحث اول: نقش محاکم داخلی ۱۲۸

مبحث دوم: نقش محاکم بین‌المللی ۱۳۲

مبحث سوم: مزایا و نواقص اجرای حقوق بشردوستانه از طریق حقوق بین‌الملل

کیفری ۱۳۵

نتیجه‌گیری ۱۴۱

منابع و مأخذ ۱۴۹

مقدمه

چند صباحی پیش کمتر کسی گمان می‌کرد در جامعه بین‌المللی متشکل از دولت‌های حاکمیت محور، بتوان شاهد ایجاد یک دادگاه بین‌المللی کیفری بود که قادر به تعقیب و مجازات مجانبان جنایات بین‌المللی از جمله جنایات جنگی (حقوق بشر دوستانه) باشد بی آن‌که بر مصونیت و سمت متهمان واقعی بنهد، بی آن که تأکید دولت‌ها بر اولویت صلاحیت دادگاه‌های ملی‌شان مانعی عبور ناپذیر در این راه به شمار آید، و بی آن که عدم پذیرش اساسنامه آن بسیاری مطمئن در مقابل اعمال صلاحیت آن دادگاه در به مجازات رساندن فجیع‌ترین جنایات بین‌المللی تلقی شود. از آن روزی که دنیا نتوانست مجازات بزرگترین جنایت کار جنگی، نقض حقوق بشر دوستانه (معاصر یعنی هیتلر را ببیند، همواره به دنبال فرونشاندن عطش کیفر دهنده و منمند جنایتکاران بین‌المللی بوده است. متفکران یونانی گفته‌اند اگر جنایتی بی کیفر باشد، تمدن را آلوده و بیمار خواهد کرد، اما محکومیت یک بی‌گناه یا مجازات بیش از اندازه یک مجرم موجب تباهی تمدن نخواهد شد^۱.

در ابتدا حاکمیت مطلق فرض می‌شد و تنها قدرت و اشکال متعددی از آن همچون توازن قدرت، حاکمیت دولت‌ها را محدود می‌کرد. اما با گذشت زمان و با نضج گرفتن حقوق بین‌الملل و عضویت دولت‌ها در معاهدات و سازمان‌های بین‌المللی و منطقه‌ای مختلف، ضمن محدود شدن توسل به زور، برای حاکمیت نظامی و بی‌حد و حصر نیز محدودیت‌هایی در برابر رفتار یک دولت با دولت‌هایی دیگر و ایجاد شده.

دبیر کل سازمان ملل متحد در گزارش ۳۱ ژانویه ۱۹۹۲ به شورای امنیت می‌نویسد:

((احترام به حاکمیت..... برای هرگونه پیشرفت مشترک بین‌المللی امری حیاتی می‌باشد. ولی زمان حاکمیت مطلق و انحصاری سپری شده است و تئوری آن با واقعیت

۱. بهزاد رضوی فرد، «دورنمای کیفرهای بین‌المللی در تعامل میان حقوق بین‌المللی کیفری و حقوق بین‌المللی کیفری»، (مجموعه مقالات تازه‌های علوم جنایی، زیر نظر نجفی ابرند آبادی، تهران، میزان، چاپ نخست، بهار ۱۳۸۸)، ص ۳۲۹.

منطبق نبوده است^۱)). اگرچه تردیدهایی نیز در مورد پذیرش این موضوع به عنوان حقوق بین‌الملل جدید ابراز شده است.

اما یکی از اصول بنیادین حقوق بین‌الملل، اصل عدم مداخله در امور داخلی دولت‌ها می‌باشد که در بند ۷ از ماده ۲ منشور ملل متحد به آن اشاره شده است از سوی دیگر (صلاحیت داخلی)^۲ مفهومی نسبی و انعطاف‌پذیر است و معیاری در مورد آن در منشور مشخص نشده است. اگرچه به زعم عده‌ای عملکرد سازمان ملل به نفع معیارهای سیاسی بوده چرا که در عمل، تشخیص داخلی یا بین‌المللی بودن موضوع به ارگان‌های سیاسی آن یعنی مجمع عمومی و شورای امنیت سپرده شده است^۳ اما با توجه به عملکرد سازمان ملل متحد می‌توان چند معیار در مورد مسائل خارج از صلاحیت داخلی دولت‌ها بر شمرده موضوعاتی که باعث تجاوز به حقوق دولتهای دیگر، تهدید صلح و امنیت بین‌المللی، یا موجب نقض اساسی حقوق بشر می‌شوند و یا مربوط به پیشرفت مستعمره‌ای به سوی خود مختاری می‌باشد، از صلاحیت داخلی دولت‌ها خارج هستند.

باید توجه داشت که بنابر اثر از قواعد مبتنی بر معاهده، قواعدی وجود دارد که برای کل بشریت الزام‌آور می‌باشند. با این تدریجی این قواعد آمرة و قرار گرفتن موضوعاتی نظیر عدم تبعیض نژادی و عدم سلب نسبی ردیف آنها، قواعدی چون اصل عدم مداخله با مشکل روبه‌رو شده‌اند و دولت‌ها دیگر نمی‌توانند با تکیه بر آنها به هر کاری اقدام کنند. باید گفت «اصل عدم مداخله در امر واحد دولت‌ها نمی‌تواند به عنوان مانعی باشد که در پس آن، دولت‌ها مبادرت به نقض گسترده و سیستماتیک حقوق بشر و بشردوستانه نمایند^۴». بنابراین اندیشه و شکل‌گیری تأسیس دیوان بین‌المللی کیفری راهی برای به منظور جلوگیری از موارد نقض حقوق بشر و بشردوستانه داخل کشورها شد؛ چرا که محاکمه مرتکبان جنایات بین‌المللی از جمله نقض حقوق بشردوستانه وظیفه‌ای است که ما نسبت به انسانیت خود و جلوگیری از قربانی شدن این دگران داریم^۵. وجود

۱. نگاه سرخیل، "رابطه صلاحیت شورای امنیت و دیوان بین‌المللی کیفری" (پایان نامه ارشد، دانشگاه علامه، ۱۳۸۲) ص ۶۵ به نقل از:

Boutros _ Chali , an agenda for peace , un. 1992.

2. Internal jurisdiction.

۳. نگاه سرخیل، همان به نقل از:

Gordon. op. cit , pp. 534 _ 535.

4. Peace and Forsythe.

5. M. Cherif Bassiouni , " Searching for peace and Achieving Justice , The Need for Accountability " , in: Nikos passas (ed), International Crimes , Ashgate , 2003, p. 131.

دیوان بین‌المللی کیفری نماد و تجسم برخی ارزش‌ها و آرزوهای بنیادی مشترک میان تمام مردم جهان است و از این جهت یک پیروزی برای تمام آن‌ها به شمار می‌رود. دیوان بین‌المللی کیفری به حکومت‌ها یادآوری می‌کند که واقع بینی سیاسی که عدالت را در مذبذب سازش‌های سیاسی قربانی می‌کند دیگر پذیرفته نیست. و نیز وجود آن تصدیق این امر است که دیگر بی‌کیفرمانی جنایتکاران مسئول «کشتار جمعی»، «جنایات علیه بشریت» و «جنایات جنگ یا نقض حقوق بشر دوستانه» قابل چشم پوشی نیست. وجود این دیوان تأیید بر این نکته است که عدالت بخش جدا ناپذیر صلح است. به گفته پاپ پل ششم: «اگر صلح می‌خواهید برای عدالت تلاش کنید». این ارزش‌ها صراحتاً در دیالوگ ۱، سنامه دیوان بین‌المللی کیفری بیان شده است.

اگرچه دیوان بین‌المللی کیفری اکسیر تمام دردهای بشر نیست، به کشمکش‌ها پایان نمی‌دهد، به قربانیان جبران نمی‌بخشد، وضع پیشین رفاه و آسایش را به بازماندگان بر نمی‌گرداند و همد جنایتکاران را هم به پیشگاه عدالت نمی‌کشاند، لیکن، این دیوان می‌تواند راهی برای اجتناب از برخی کشمکش‌ها باشد. شمار قربانیان را کاهش دهد و از برخی جنایتکاران از جمله جنایتکاران جنگی حساب بخواهد. به این اعتبار، دیوان بین‌المللی کیفری همانند سایر دهلی حقوقی ملی و بین‌المللی کمک خواهد کرد تا تمدنی انسانی و پیشرفته‌تر داشته باشد.

سرانجام، دیوان بین‌المللی کیفری به یادآوری می‌کند که جنایات وحشتناک را فراموش نکنیم و این هشدار زیبای ژرژسانتاینا را در گوش کنیم که «کسانی که درس‌های گذشته را فراموش می‌کنند محکوم‌اند که دوباره «تباه‌های خود را تکرار کنند». و در نهایت، اگر دیوان بین‌المللی کیفری تنها حیات یک تن را نجات دهد هم چنان که در تالمود آمده است مانند آن است که حیات تمام بشریت را نجات داده است...»^۱.

بنابراین، شگفت نیست اگر در جامعه بین‌المللی، آرمانهای صلح و عدالت و فلسفه و متفکران بر پایه دادگستری و عدالت خواهی استوار باشد. امروزه بیداری و آگاهی فزاینده ملت‌ها به تاریخ، مایه ظهور وجدان همگانی بشریت و تشکیل عامل نو پدیده افکار عمومی جهانی در روابط بین‌المللی شده است. جامعه بشری اکنون از برکت این وجدان، تجاوز و

۱. محمد علی اردبیلی، حقوق بین‌الملل کیفری، (گزیده مقالات ۱، میزان، چاپ چهارم، زمستان ۱۳۸۷).

ص ۲۲.

۲. محمد علی اردبیلی، همان، به نقل از:

ICC Ratification and National Implementing Legislation, A.I.D.P, nouvelles études pénales, Eres, 1999, p. 43.

زورگویی را به زودی و به آسانی از یاد نمی‌برد و روا نمی‌دارد که عاملان آن بی کیفر باقی بمانند.^۱ بنابراین، به نظر می‌رسد باید محکمه‌ای وجود داشته باشد تا مجرم را به سزای اعمالش برساند، بدون آنکه دیگران در تعاقب آن صدمه ببینند. از سوی دیگر تجربه تلخ جنگ‌های داخلی در کشورهایی از قبیل سومالی، بوسنی، رواندا، هائیتی و افغانستان و دیگر سرزمین‌ها نشانگر آن است که درگیری‌ها و خشونت‌ها حتی با حضور سربازان حافظ صلح سازمان ملل متحد ادامه خواهد داشت، مگر آنکه طرفین درگیری احساس کنند که عدالت کیفری در حق آنها توسط یک محکمه عدالت بین‌المللی رعایت خواهد شد.

اندیشه تأسیس یک مرجع دادرسی بین‌المللی برای رسیدگی به نقض مهم‌ترین ارزش‌های انسانی که رفته رفته در حقوق بین‌الملل به جنایات بین‌المللی شهرت یافت به سال ۱۸۷۲ بسیار دور بر می‌گردد. نخستین کسی که چنین اندیشه‌ای را ابراز کرد گوستاو مونیه،^۲ یکی از بانیان صلیب سرخ جهانی بود. وی در گزارشی که در ۱۸۷۲ به کمیته بین‌المللی کمک به مجروحان نظامی تسلیم نمود تأسیس دادگاهی مرکب از پنج عضو (دو عضو منتخب هر یک از دولت‌های متخاصم و سه عضو منتخب دولت‌های بی طرف) را صلاحیت رسیدگی به موارد نقض کنوانسیون ژنو ۱۸۶۴ را داشته باشد؛ پیشنهاد نمود. در واقع رخ‌آدهای نفرت‌انگیز به هنگام جنگ فرانسه و پروس و وحشی‌گری‌های سپاهیان در دو طرف در طی سال‌های ۱۸۷۱ او را به این تفکر سوق داد. لیکن پیشنهاد او با استقبال رو به رو نشد. موبینه بار دیگر در اجلاس کمیته مؤسسه حقوق بین‌الملل در ۱۸۹۵ پیشنهاد خود را طرح کرد که این بار نیز پیشنهاد او را به دلیل این که صلاحیت مراجع قضایی ملی را ایجاد گرفته بود رد نمودند در حالیکه پیش از آن نیز جز مواردی از دادگاه‌های همگانی از جمله دیهانی که در سال ۱۴۷۴ در آلمان به منظور محاکمه ۲۷ قاضی رومی-ژرمنی به اتهام تصرف فواید خداوند و انسانها و با ترکیبی از قضاات ملل مختلف برگزار گردید نشانی در ساطر تاریخ از وجود یک مرجع قضایی بین‌المللی ثابت نمی‌توان یافت.^۳

دیوان بین‌المللی کیفری، با هدف اجرای عدالت بین‌المللی و حفظ صلح و امنیت و آسایش کلیه ملت‌های جهان می‌تواند به عنوان یکی از نهادهای مؤثر در اجراء و تحقق حقوق بشر و حقوق بشردوستانه بین‌المللی، نقش قابل ملاحظه‌ای را ایفا نماید و چنانچه دیوان دچار سیاست زدگی نشود، گامی مؤثر در تحقق صلح و عدالت جهانی خواهد برداشت و قواعد حقوقی مورد قبول و اهتمام جامعه بشری نیز نهادینه و استوار می‌گردد.

۱. حمید عنایت، فلسطین و حقوق بین‌الملل، (تهران: انتشارات امیر کبیر، ۱۳۴۵)، مقدمه کتاب.

۲. محمد علی اردبیلی، حقوق بین‌الملل کیفری، همان، ص ۱۴.